

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه بوعلی سینا

دانشکده مدیریت و حسابداری رزن

عنوان:

بررسی علل ناکارآمدی جمهوری اسلامی در حوزه اقتصاد و ارائه پیشنهادات جهت رفع مشکلات فعلی و توسعه اقتصادی کشور

نویسندگان:

نام و نام خانوادگی	کد ملی	تحصیلات	وابستگی	نشانی و تلفن
امیرحسین رهبر	۳۸۷۳۵۳۲۱۰۷	دکتری	عضو هیئت علمی	دانشکده مدیریت و حسابداری رزن ۰۹۱۸۳۱۸۶۵۷۰
محمد صالح خمیس آبادی	۳۳۰۰۲۸۱۶۷۹	کارشناسی	دانشجو	دانشکده مدیریت و حسابداری رزن ۰۹۱۰۰۷۸۹۱۹۱



### چکیده:

این گزارش در دو بخش به بیان مطالب میپردازد در بخش اول بیان میکند که در موضوع عدم موفقیت جمهوری اسلامی در حوزه اقتصاد سیاست یارانه ها و عدم اجرای صحیح آن بسیار تأثیر داشته است، این تأثیر مخرب در بخش های مختلفی بروز کرده از جمله بخش های رفاهی، امنیتی، سیاست خارجه، محیط زیستی و... ولی در ادامه نیز شرح میدهم که قانون هدفمند سازی یارانه ها در برهه ای که تلاش هایی برای اجرای آن صورت گرفت چگونه تأثیر مثبتی بر روی ضریب جینی و ثبات قیمت ها گذاشت.

در بخش دوم هم به ارائه نظرات و پیشنهادهای میپردازیم که نسبت به شرایط اقتصادی کشور، حوادث و اتفاقات بین المللی و اهداف دولت سیزدهم ارائه شده است، راهکارهایی از جمله حذف یارانه های کالا و انرژی و برگشت به اصل چهل و چهارم قانون اساسی و اجرای درست قانون خصوصی سازی ولی قاعدتا با گذشت زمان و تغییر شرایط ما با جزئیات بسیاری سروکار داریم مانند بی اعتمادی مردم نسبت به دولت، جنگ بین کشورها و...

واژگان کلیدی: یارانه، هدفمند سازی، یارانه کالا، یارانه انرژی، ارز ترجیحی، تورم، بنزین

### فهرست مطالب

شماره صفحه	عنوان:
4	تاریخچه یارانه در ایران
۶	فرایند تأثیر یارانه ها بر اقتصاد
۷	یارانه کالا
۱۰	یارانه انرژی
۱۴	پیشنهادهای برای اصلاح یارانه ها
۱۸	جمع بندی

## جمهوری اسلامی به عنوان بازوی اجرایی انقلاب اسلامی در دستیابی به کدام یک از اهداف و آرمان‌های انقلاب موفق عمل نکرده است؟

در پاسخ به این سوال جوابی واضح ولی پیچیده به ذهن ما می‌رسد که آن دستیابی به آرمان‌های اقتصادی است، بلکه متأسفانه جمهوری اسلامی در دستیابی به آرمان‌های اقتصادی موفق عمل نکرده دلایل این عدم موفقیت بخش عمده اش سیاست‌های غلط اقتصادی دولت‌ها است و بخشی هم تحریم‌های شدید اقتصادی علیه کشور ما، در این گزارش قصد ما این است در مورد سیاست‌های غلط و در عین حال پر تاثیر دولت‌ها مطالبی را ارائه دهیم.

### سیاست غلط یارانه‌های انرژی و کالا:

۱) ابتدا نیاز است بگوییم که یارانه انرژی و کالا چیست؟ یارانه مابه‌التفاوت قیمت واقعی انرژی‌های مصرفی و کالاهایی که مردم مصرف می‌کنند، در کشور ما انرژی و تقریباً بسیاری از کالاهایی که مورد مصرف قرار می‌گیرند با قیمت واقعی و جهانی در اختیار مردم قرار نمی‌گیرند و بخشی از قیمت آن‌ها را دولت به عنوان یارانه پرداخت می‌کند و به نقل از اندیشکده راهبردی سعادت، بانک جهانی ایران را از جمله کشورهای می‌داند که بیشترین میزان پرداخت یارانه را دارند؛ پرداخت یارانه توسط دولت به معنای ضرر دادن مستمر است که آثاری همچون پرداخت یارانه مردم مستضعف به پولدارها، ایجاد بستر رانت و فساد، تمایل به قاچاق و واردات به جای تولید، کسری بودجه و افزایش تورم، تحریم پذیر بودن واردات، افزایش قیمت کالاهای اساسی با وجود تخصیص ارز ترجیحی و...

(پژوهشکده سیاستگذاری دانشگاه صنعتی شریف: اصلاح نظام یارانه ای بنزین)

(اندیشکده راهبردی سعادت: چرایی ضرورت حذف ارز ترجیحی)

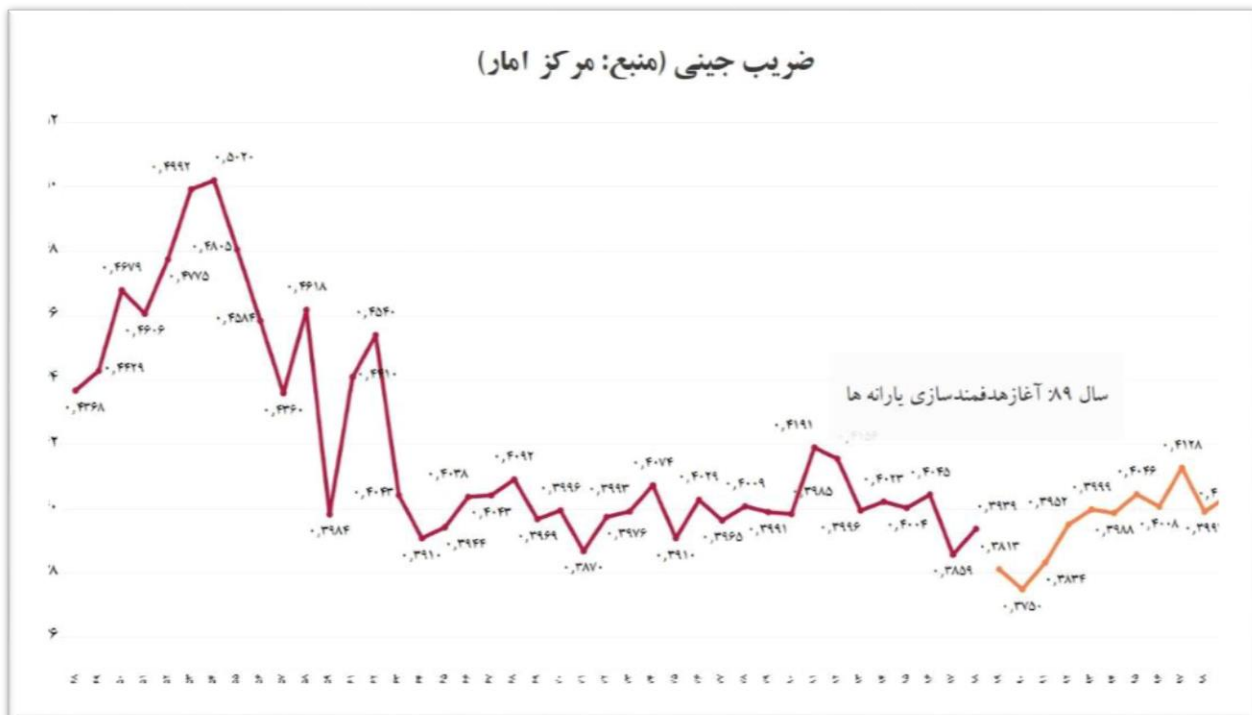
### ۲) بخشی از تاریخچه یارانه:

یارانه‌های انرژی در ایران سهم عمده هزینه‌های دولت را به خود اختصاص داده و با پایین نگه‌داشتن قیمت انرژی و ترغیب مصرف بیش از حد آن در کشور علاوه بر مشکلات ناشی از قاچاق و مصرف بی‌رویه و تولید فوق‌العاده انرژی‌بر، طرح‌های مهم سرمایه‌گذاری در زیربنای آموزش و بهداشت که برای رشد اقتصادی و بالا بردن بهره‌وری کار و به طور کلی بهبود زندگی عموم مردم ضروری است، به دلیل کمبود منابع مالی با کندی پیش‌رفته و در بسیاری موارد این طرح‌ها متوقف شدند و ناکارآمدی نظام تخصیص و توزیع یارانه‌ها در کشور، دولت را بر آن داشت تا اصلاح آن را در قالب یکی از محورهای (طرح تحول اقتصادی) و به عنوان مهمترین برنامه اقتصادی در دستور کار خود قرار دهد. به این منظور بررسی‌های کارشناسی و آسیب‌شناسی موضوع همراه با تحلیل آثار آن بر متغیرهای کلان اقتصادی را انجام داد و اصلاح یارانه‌ها پس از تصویب قانون "هدفمند سازی یارانه‌ها در سال ۱۳۸۸" و پس از آماده سازی مقدمات اولیه در تاریخ ۱۳۸۹/۹/۲۸ به اجرای

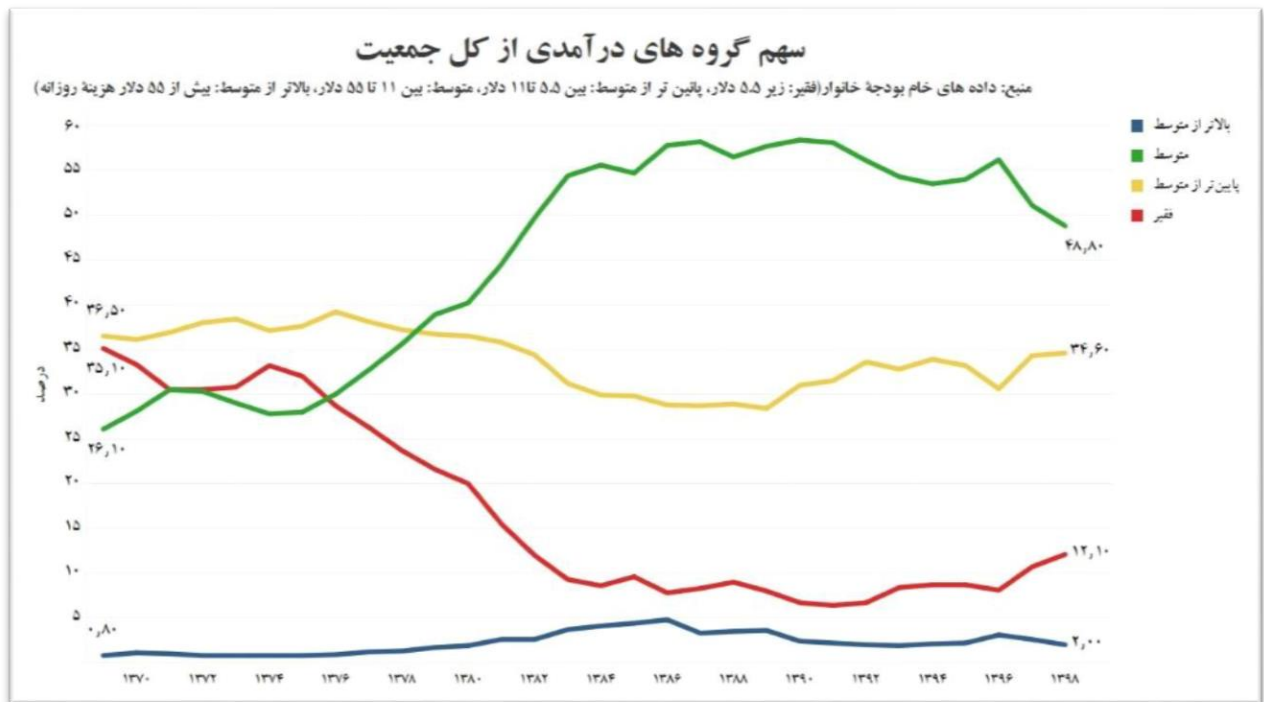
نهایی درآمد، نتایج به دو دلیل، اول: همراهی و همکاری مردم و فعالان اقتصادی و دوم: مدیریت مناسب و بهینه قانون توسط دولت، تجربه اقتصادی موفقی را در سطح ملی و بین‌المللی برای کشور رقم زد. در دوره ریاست جمهوری دکتر احمدی‌نژاد بخاطر پرداخت یارانه نقدی با میزانی مناسب و در مراحل نزدیک کردن نرخ انرژی به قیمت‌های جهانی موفقیت‌های این طرح مشخص شد ولی به یک دلیل این موفقیت ثابت نداشت، آن دلیل ثابت نگه داشتن نرخ انرژی به ریال بود که پایه‌های موفقیت در این طرح رو به لرزه درآورد چون در آغاز بنا بر این بود که طبق قانون هدفمندسازی یارانه‌ها، یارانه انرژی به تدریج حذف شود و متناسب با مقداری که حذف می‌شود یارانه نقدی پرداخت شود، در شروع این طرح مسیر درست طی شد ولی در میانه راه دوباره به دلیل قیمت‌گذاری ثابت انرژی باعث شد دو اتفاق بیفتد اول اینکه دولت مانند گذشته یارانه انرژی پرداخت کند و دوم اینکه یارانه نقدی را وارد زندگی مردم کرده و جو روانی و وابستگی مردم به آن باعث می‌شود که نتوان آن را متوقف کرد؛ این موضوع باعث ایجاد زمینه کمبود منابع مالی و غیر مالی در دوره‌های بعد شد. این موضوع در دوره ریاست جمهوری آقای روحانی به دلیل اینکه باز به قانون هدفمندسازی یارانه‌ها توجه نشد باعث چاپ بسیار زیاد پول بدون پشتوانه شد و به مرور باعث ایجاد تورم با نرخ بالا، خالی شدن خزانه، قاچاق سازمان‌یافته، رانت، عدم موفقیت در اجرای تعهدات در بحث زیرساخت‌ها و... شد.

(محمدرضا فرزین: فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی و ویژه‌نامه کارنامه اقتصادی دولت)

(محمدرضا فرزین: کتاب درس‌هایی از هدفمندسازی یارانه‌ها)



پژوهشکده سیاست‌گذاری دانشگاه صنعتی شریف: اصلاح نظام یارانه‌های بنزین: (اسلاید ۱۰)



پژوهشکده سیاستگذاری دانشگاه صنعتی شریف: اصلاح نظام یارانه ای بنزین : (اسلاید ۹)

در نمودار اول که بیانگر ضریب جینی (میزان فاصله طبقاتی) است مشاهده میکنید که از سال ۱۳۸۹ تا سال ۱۳۹۰ که قانون هدفمند سازی یارانه ها اجرا شد ضریب جینی کاهش پیدا کرد ولی در سال های بعد که نادیده گرفته شد ضریب جینی افزایش پیدا کرده است. همچنین در نمودار دوم میبینیم که در هنگام اجرای قانون هدفمندی سطح فقر در جامعه کاهش پیدا کرده و میزان درآمد دهک های متوسط بیشتر شده است.

اکنون نیز دولت سیزدهم تصمیم گرفته است به جای اینکه یارانه کالاهای اساسی را در ابتدای حلقه به کالاهای وارداتی تخصیص دهد، قرار است یارانه را در آخر زنجیره به خود مصرف کننده تخصیص دهد و این تصمیم بزرگ که جلوگیری از بسیاری از رانت ها، فسادها و هدر رفت درآمد های کشور است ، مستلزم اقدامات هوشمندانه ایجابی و سلبی جهت تامین معیشت مردم و جلوگیری از تورم است که بخشی از آن را دولت اعلام کرده است قرار است انجام دهد و بخشی دیگر نیز باید مطالبه شود تا انجام شود.

**فرایند تاثیر یارانه ها بر اقتصاد :**

در کشور ما یارانه ها به سه شکل پرداخت میشوند :

- یارانه های نقدی
- یارانه کالا (ارز ترجیحی)
- یارانه های انرژی

در بحث یارانه ها و تاثیرات مخرب آنها ما با دو نوع آخر سرو کار داریم یعنی یارانه های کالا و انرژی که هر کدام را به صورت جداگانه شرح خواهیم داد.

### یارانه های کالا :

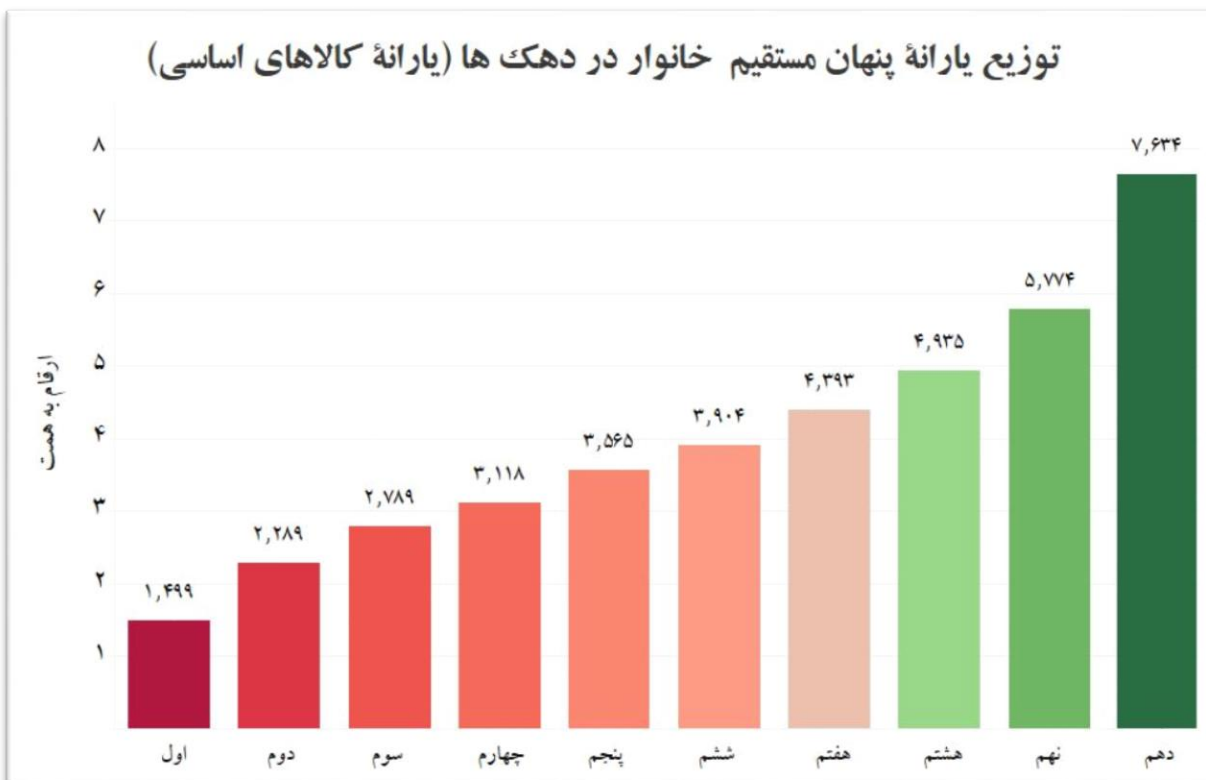
برای مثال یک نانوا را تصور کنید ، این نانوا برای تولید نان به آرد نیاز دارد یعنی گندم! حالا فرض کنید دولت گندم مورد نیاز آن نانوا را با قیمت مثلا کیسه ای ۲۰۰۰۰ هزار در اختیارش قرار میدهد در صورتی که قیمت تمام شده آن گندم حال چه به صورت تولید در داخل یا واردات بیشتر از مقداری بوده که به نانوا فروخته در این صورت چه اتفاقی رخ میدهد؟ بله دولت متضرر شده.

اگر این فرایند به صورت مستمر تکرار شود باعث ایجاد چند مشکل میشود :

### (۱) ایجاد تورم :

وقتی که وزارت جهاد و کشاورزی به عنوان نماینده دولت به صورت مستمر در حال خرید و واردات گندم با قیمت جهانی باشد و فروش آن توسط دولت با قیمت کمتر از قیمت تمام شده باشد ، دولت به سمت ورشکستگی میرود حال برای جلوگیری از این مورد مجبور میشود از بانک مرکزی وام بگیرد ولی چون درآمدش از هزینه اش کمتر است موفق به بازپرداخت آن نمیشود و معمولا چون دولت ها در هنگام گرفتن وام مبالغ سنگینی را درخواست میکنند ، در صورت عدم موفقیت در پرداخت حتی ممکن است بانک های وام دهنده نیز ورشکسته شوند ؛ به همین دلیل خلق پول گسترده ای صورت میگیرد و این موضوع باعث افزایش حجم نقدینگی میشود و سرانجامش تورم است.

(اندیشکده راهبردی سعادت: چرایی ضرورت حذف ارز ترجیحی)



پژوهشکده سیاستگذاری دانشگاه صنعتی شریف: اصلاح نظام یارانه ای بنزین : (اسلاید ۵)

در نمودار بالا علاوه بر شواهد چیز عجیبی به چشم میخورد و آن این است یارانه ها با هدف کمک به اقشار و دهک های پایین شروع به کار کردن ولی طبق نمودار میبینیم که دهک های بالایی سهم بیشتری نسبت به دهک های پایین جامعه از یارانه میبرند! دلیل این مسئله این است که در جامعه ما درآمد همراه با نرخ تورم رشد نکرده به همین دلیل حتی اگر یارانه هم به کالاها تعلق بگیرد همواره به دلیل کم بودن درآمد نسبت به تورم دهک های پایین موفق به خرید نمیشوند و سهم بیشتر خرید با قیمت های یارانه ای برای دهک های بالای جامعه است، به همین دلیل است که در اقتصاد میگویند یارانه مغالطه ثروتمند به فقیر است.



## ۲) قاچاق و مشکلات امنیتی :

این مورد را هم اجازه دهید با ادامه مثال نانوائی ها توضیح دهم ، وقتی که نانوائی آرد را با قیمت دولتی دریافت کند و نان را هم با قیمت دولتی و مصوب بفروش برساند ولی در مقابل مالیات و کرایه مغازه اش به نرخ آزاد از یارانه باشد و از جهتی قیمت آرد به قیمت جهانی در کشور های دیگر بالاتر باشد به این فکر می افتد که به نفعش هست که آن را به خارج از کشور بفروشد به همین صورت قاچاق شکل میگیرد؛ ولی این پایان قضیه نیست بلکه تازه دردسر شروع میشود و با ادامه این کار میزان تولید نان کاهش پیدا میکند و در این صورت قیمت نان بالا میرود ، شاید یکم گیج کننده باشد ولی الان واضح بیان میکنیم که چه میشود، در کشور مکانیزم صحیحی برای تخلیه تورم نیست و این تورم انباشته میشود و در انتظار فرصت است برای خالی شدن این فرصت با گرانی یکباره یک محصول مهم اتفاق می افتد وقتی نان به عنوان قوت غالب بخاطر سیاست غلط گران میشود تورم انباشته کالاهای دیگر نیز خالی میشود و یک گرانی بر بازار اضافه میشود دقیقا مانند بنزین که وقتی گران میشود بسیاری از محصولات همراه با آن گران میشوند، در واقعیت گرانی بنزین در بلند مدت تاثیر چندانی بر قیمت ها ندارد چون باعث خلق پول نمیشود ولی به عنوان یک فرصت برای تخلیه تورم انباشته و عامل روانی در کوتاه مدت باعث افزایش قیمت ها میشود.

این موضوع از جهت دیگری نیز بسیار مهم است و آن بحث امنیت ملی است ، وقتی قاچاق شکل بگیرد به این معنا است که امنیت ملی کشور دچار بحران شده است. این موضوع علاوه بر داشتن عدد و رقم های آماری یک بحث محتوایی نیز هست به این معنا که همواره در بحث قاچاق مخصوصا در کشور ما که درگیر مشکلات اقتصادی است پای مردم مرز نشین عزیز به میان می آید و در این موضوع وارد میشوند که از قاچاق درآمد زایی داشته باشند و این امر موجب مرتکب شدن آن ها به کارهای خلاف میشود ، همواره از گذشته گفته شده اولین خط دفاعی برای دفاع از یک کشور مردم مرز نشین آن هستند ولی وقتی مردم مرز نشین بخاطر ارتکاب به جرم با نیروهای نظامی درگیر شوند باعث میشود روحیه ی همدلی و محبت بین آنها کمرنگ تر شود و این باعث میشود در هنگام حوادث نظامی و امنیتی به صورت کامل در کنار نیروهای نظامی قرار نگیرند و مانند گذشته یاری رسان در برقراری امنیت کشور نباشند و این یک نقص در بحث امنیت ملی یک کشور است که میتواند تبعات سنگینی داشته باشد.

## یارانه های انرژی :



در بحث یارانه های انرژی داستان از گستردگی بالایی برخوردار است و معایب بسیار بزرگ و آسیب هایی جبران نشدنی به همراه دارد. در علم اقتصاد گزاره ای وجود دارد که من از تعریف کتابی آن صرف نظر میکنم و به صورت خیلی روشن تر بیانش میکنم، در اقتصاد گفته میشود وقتی با زور و اجبار قیمت ها را ثابت نگه داریم مانند فتری است که جم میشود و زمانی رها میشود! معنای این حرف این است که دولت ها هرگز نباید قیمت های جهانی را نادیده بگیرند و با قیمت های مصوب کالاها و خدمات را ارائه دهند. در دولت دهم این موضوع تا حدودی درک شد و سعی شد اصلاح شود ولی موفق نبود به دلایلی که در بالا گفته شد و از بیان

دوباره آن پرهیز میکنیم؛ در کشور ما نیز سالهاست که انرژی از برق و سوخت و گاز به قیمت های ثابت و بدون در نظر گرفتن قیمت های جهانی و قیمت های واقعی تمام شده آنها در اختیار مردم و واحدهای صنعتی و تولیدی قرار میگیرند و این باعث مشکلاتی در بلند مدت شده است که به بیان آن میپردازیم.

## ایجاد تورم :

در بحث یارانه های انرژی تا حدود زیادی فرایند ایجاد تورمش شبیه یارانه کالا است ولی تفاوت های مهمی هم در آن وجود دارد که ما البته کامل توضیح میدهیم.

گاهی مواقع برای درک یک موضوع نیاز به ارائه عددهای دقیق نیست و با یک حساب و کتاب ذهنی می توان فهمید که فرایند کشف، استخراج و توزیع فراورده های نفتی هزینه های سنگینی به دولت ها تحمیل میکند حتی اگر صنعت و گاز در آن کشور کاملاً بومی هم باشد، حالا تصور کنید دولتی بیاید و این حجم سنگین هزینه را برای انرژی پرداخت کند ولی در هنگام فروشش به مردم و واحدهای نیروگاهی، صنعتی و تولیدی قیمتی بسیار کمتر از قیمت تمام شده و جهانی آن انرژی را طلب کند، کاملاً واضح است با گذشت مدت نه چندان زیادی دولت در این بخش بخاطر پرداخت ضررهای زیاد دچار کمبود منابع مالی میشود و حتی وام گرفتن نیز درد را دوا نمیکند و بانک مرکزی مجبور به چاپ پول میشود که به تورم منجر میشود و تمام سیاست های افزایش قیمت حدودی و بحث سهمیه ای بودن فقط حکم مسکن داشته و تأثیر بنیادی ندارند.

دولت معمولاً در چنین وضعیتی که میبیند توانایی اداره به تنهایی بحث انرژی را ندارد تصمیم میگیرد بخش خصوصی را وارد قضیه کند و به اصلاح طبق اصل ۴۴ قانون اساسی پیش برود ولی چون موضوع قیمت گذاری های دولتی و دخالت بسیار زیاد دولت در اقتصاد حل نشده دو حالت پیش می آید اول اینکه بخش خصوصی از همان اول حاضر به انجام چنین کاری نمیشود چون این کار خصوصی سازی نیست و خصوصی به حساب می آید و دوم اینکه ممکن است دولت با دادن امتیازاتی به بخش خصوصی آن را راضی کند که به این کار تن دهد ولی به خاطر ثابت بودن قیمت و در نظر نگرفتن قیمت واقعی و جهانی بخش خصوصی هم متحمل ضرر میشود و حتی ممکن است به سوی ورشکستگی پیش برود و تولید انرژی در کشور دچار بحران شود که این امر همانند یک شلیک علامت بالارفتن قیمت ها و تخلیه تورم انباشته میباشد که باز در این صورت دولت باز مجبور به تزریق پول به دهک های پایینی میشود و این چرخه دائم ادامه پیدا میکند.

### کمبود منابع انرژی :

همیشه از گذشته این یک قاعده بوده که وقتی چیزی قیمتش ارزان باشد در مصرفش صرفه جویی نمیشود ، در کشور ما هم بخاطر ارزان بودن قیمت انرژی برای مصرف کنندگان نه مردم در استفاده از انرژی صرفه جویی میکنند و نه واحد های نیروگاهی ، صنعتی و تولیدی ؛ در چنین حالتی مصرف تا حدی ادامه پیدا میکند که به خط قرمز مصرف میرسد و دولت مجبور به قطع کردن انرژی میشود که این کار در اولویت اول برای واحدهای تولیدی صورت میگیرد که نتیجه این امر بحرانی بزرگ را بوجود می آورد. زمانی که انرژی واحد های تولیدی قطع شود تولید کاهش پیدا میکند و قیمت ها بشدت بالا میروند برای مثال اگر انرژی مصرفی واحد تولید مصالح ساختمانی قطع شود تولید مصالح کاهش پیدا میکند و این امر موجب گران شدن مسکن میشود که خود این امر بحران های اجتماعی و قانونی بسیاری را به همراه دارد.

در ادامه باید گفت وقتی کمبود منابع انرژی بوجود بیاید کشور در دو موضوع به مشکل میخورد اول اینکه باید منابع مورد نیازش را وارد کند که برای کشور ما با توجه به حجم تحریم های ظالمانه این امر ممکن نیست و باعث وابستگی شدید میشود. و دوم اینکه اگر کشوری مانند ما که منابع زیاد انرژی دارد از قبل قراردادهای صادرات انرژی با کشورهای همسایه و سایر کشورها داشته باشد حال که به کمبود منابع برخورد کرده است نمیتواند به تعهدات خودش پایبند باشد و این امر موجب خدشه دار شدن روابط کشور ها باهم و تاثیر بر روی حوزه های دیگر ارتباطی بین دو کشور میگذارد.

### ارتباط انرژی با سیاست خارجه و امنیت ملی:

برای کشوری مانند ما که از دارندگان بزرگ منابع انرژی در جهان است استفاده هوشمندانه از این ثروت در ارتباط با سایر کشورها نقش مهمی دارد ، کشور میتواند با صادر کردن انرژی به کشور های دیگر آن ها را به نوعی به خود وابسته کرده و با این امر روابط تجاری را بالاببرد منافع خود را در ارتباط با آن کشور به ماکزیمم خود برساند و از منابع انرژی به عنوان اهرم استفاده کند و در بحث امنیتی نیز از منابع انرژی میتوان به عنوان ایجاد وابستگی و عامل جلوگیری کننده از مشکلات امنیتی و نظامی بین کشور ها استفاده کرد، ولی وقتی منابع انرژی دچار کمبود شوند کشور از استفاده از این فرصت محروم میشود.

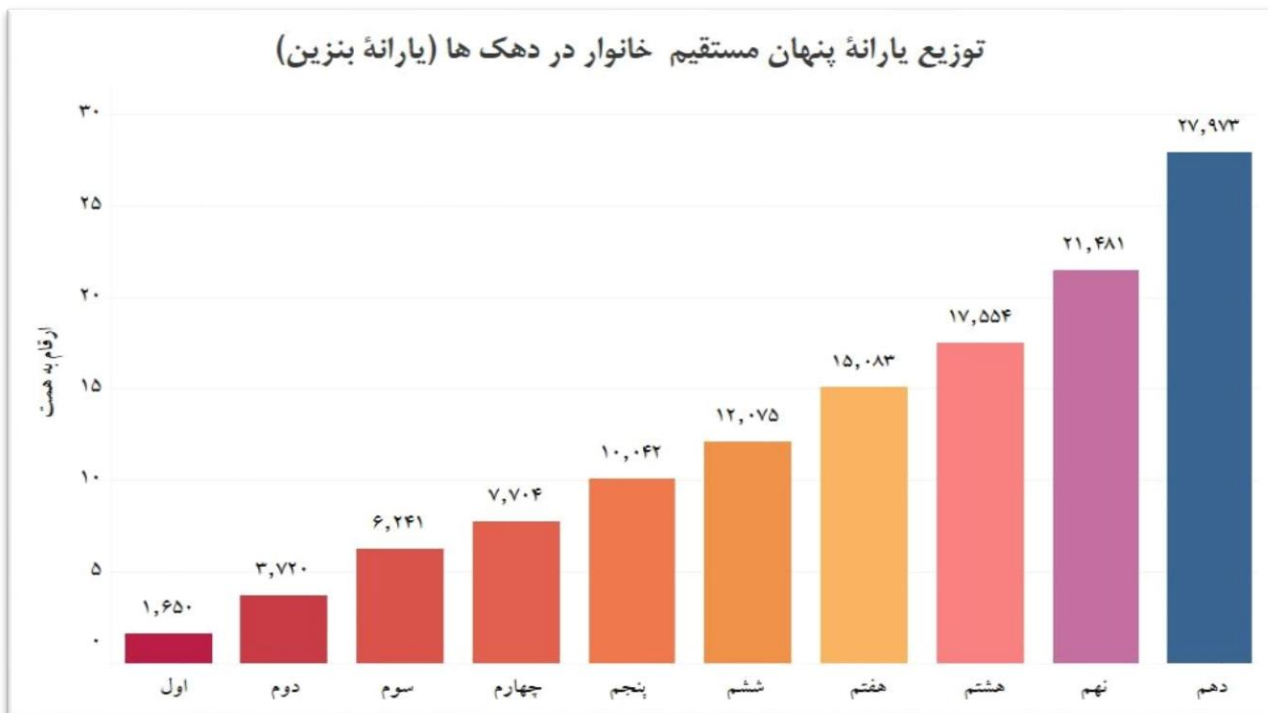
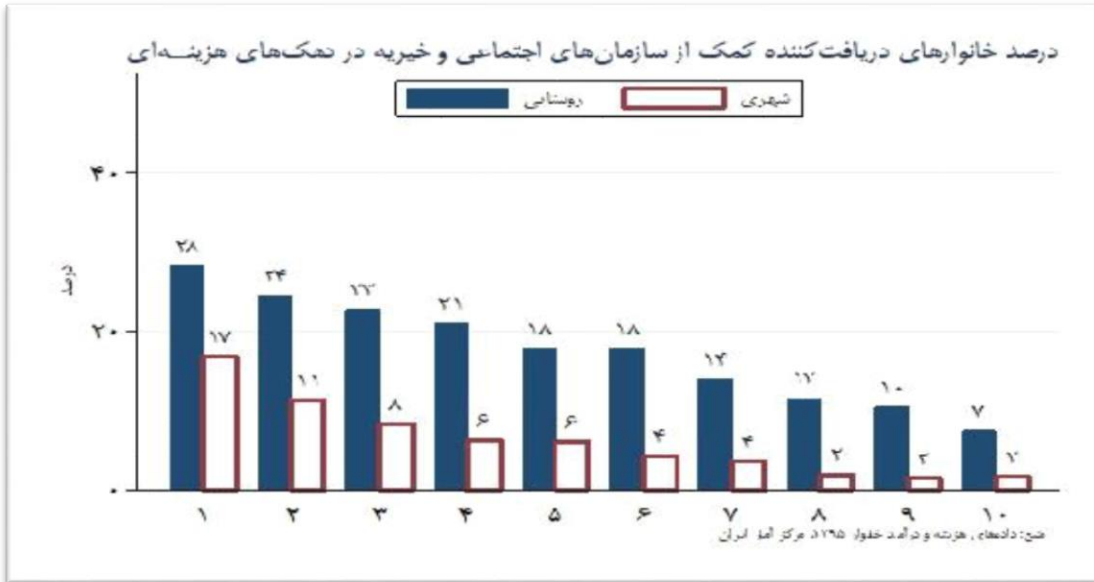
### ارتباط قیمت ارزان انرژی با آلودگی های محیط زیست:

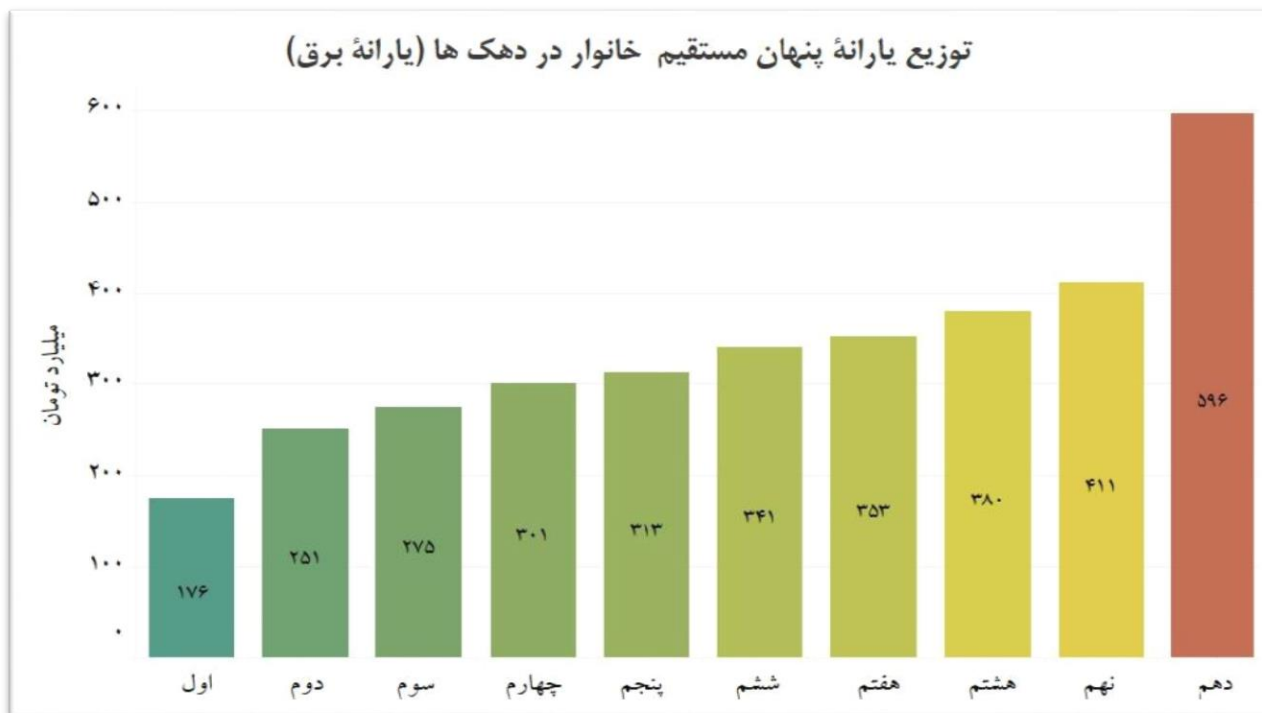
وقتی قیمت انرژی و سوخت ارزان باشد مصرف بی رویه آن افزایش پیدا میکند و در بلند مدت باعث آسیب های جبران ناپذیری به محیط زیست میشود و در کاهش سلامت زیستی جامعه بسیار موثر است ، آسیب هایی که حتی اگر قابل جبران هم باشند نیازمند هزینه های بسیار سنگینی برای جبران هستند. پس پیشگیری بهتر از درمان است!

(دکتر محمد هاشم پسران و هادی صالحی اصفهانی: پیشنهاد ۵ گام برای اصلاح یارانه ها)

### قابل توجه:

درباره موضوع مصرف بالای انرژی و گزاره " یارانه مغالطه ثروتمندان به فقرا" به چند نمودار زیر توجه کنید خواهید دید که یارانه ای که با هدف کمک به دهک های پایین بوجود آمد به نفع چه کسانی است و چه دهک هایی بیشتر نفع را میبرند.





پژوهشکده سیاستگذاری دانشگاه صنعتی شریف: اصلاح نظام یارانه ای بنزین : (اسلاید ۸، ۷، ۶)

در نمودارهای بالا کاملاً مشخص است که یارانه‌ها بیشتر به نفع کدام دهک‌ها است. دهک‌های بالای جامعه که بخش زیاد ثروت را در اختیار دارند بخاطر ارزانی قیمت انرژی و عدم اجرای کامل مستمر و صحیح قانون هدفمند سازی یارانه‌ها حدی برای مصرف قائل نیستند و حتی مشاهده میکنید که دهک‌های ثروتمند از خیریه‌ها و سازمان‌های حمایتی نیز سهم میبرند و بجای اینکه بازتوزیع ثروت از ثروتمندان به فقرا صورت بگیرد از فقرا به ثروتمندان است و این یک امر بسیار ظالمانه است که باید هر چه زودتر در مسیر اصلاح آن حرکتی درست صورت گیرد.

### پیشنهادات برای اصلاح یارانه‌ها:

تا به اینجا تلاش کردیم با بیانی هم دقیق و علمی و هم واضح توضیح دهیم که چرا سیاست غلط یارانه‌های کالا و انرژی به اقتصاد ایران آسیب بسیار زیادی وارد کرده است ، حالا قصد داریم بیان کنیم که راه حل چیست و چگونه میتوان از آسیب بیشتر جلوگیری کرد؟  
با بیان مهمترین ایرادات سیاست یارانه‌ها به صورت غیر مستقیم گفتیم که باید یارانه‌های کالا و انرژی حذف شوند ولی این امر کاری دشوار، فرایندی و دارای جزئیات بسیار است .

از ابتدای این گزارش آنقدر از معایب یارانه های انرژی و کالا گفتیم که صددرصد تا الان گزاره کلی که پیشنهاد ما هست را متوجه شده اید بلکه نظر ما هم به عنوان یک گزاره کلی این است که باید یارانه های انرژی و کالا حذف شود ولی این موضوع آنچنان پر اهمیت است که نمیتوان صرفاً به عنوان یک گزاره کلی بیانش کرد و میخواهیم با جزئیات بیشتری به آن بپردازیم.

قبل از پرداختن به بحث یارانه نظری داریم که شنیدنی است و آن یادآوری مجدد این نکته است که دولت باید هدفی بزرگتر از بحث یارانه ها را تصویرسازی کند و آن این است که به اصل ۴۴ قانون اساسی تحقق واقعی بدهد و از اقتصاد عقب بکشد و آن را به بخش خصوصی واگذار کند تأکید میکنم که به بخش خصوصی واگذار کند نه اینکه خصولتی سازی کند؛ سپس میتوان اصلاح یارانه ها را بخش مهمی از این هدف بزرگ دانست. خب تا اینجا تأیید شد که باید یارانه های انرژی و کالا حذف شود ولی تا کنون در مورد اینکه شکل پرداخت یارانه باید تغییری کند یا نه؟ یا اینکه باید به صورت ضربتی یا تدریجی حذف شود سخنی نگفته ایم که اکنون شرح میدهیم:

یارانه باید حذف شود ولی نه در همه اشکال، ما باید یارانه را در اشکال یارانه انرژی و کالا حذف کنیم ولی باز باید یارانه را به مردم پرداخت کنیم ولی چگونه؟ ما دو راه داریم اول پرداخت یارانه نقدی به مصرف کننده نهایی و دوم دادن کالا برگ.

در ابتدا بیایید در مورد کالا برگ صحبت کنیم، کالا برگ در کشور ما کاملاً بی سابقه نیست و در مواردی مورد استفاده قرار گرفته، برای مثال در زمان ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی کالا برگ مورد استفاده قرار گرفت ولی به دلیل اینکه نتایج موفقیت آمیزی نداشت حذف شد.

کالا برگ خود فساد زا و مروج بازار سیاه است، تشدید ورود دلالان به بازار کالاهای اساسی را به دنبال دارد و چون امکان انتخاب را از مردم می گیرد، خود مردم نیز اقدام به خرید و فروش کالاهای کوپنی می کنند که آثار مخربی دارد. همچنین کوپن و توزیع کالای کوپنی نیاز به سیستم نظارتی قوی دارد، که بسیار هزینه بر است. به طوری که اگر هزینه چنین سیستم نظارتی را هم روی ارزش کوپن بگذارند و به خود مردم نقدی بدهند به صرفه تر است.

هرچند کالا با کوپن به مردم داده خواهد شد، اما قیمت واقعی در بازار سیاه یا بازار دوم تعیین خواهد شد و تورم نیز بر اساس همین بازار خواهد بود.

کالایی مثل نان، از این نانوائی به آن نانوائی تفاوت چندانی نمی کند؛ اما سایر کالاها مثل روغن این گونه نیستند. برای روغن ده ها عنوان برند با کیفیت ها و قیمت های گوناگون قرار دارد. در صورت کوپنی شدن آن، روغن بی کیفیت توسط کوپن توزیع شده و برای اجناس با کیفیت تر صفوف طولانی تشکیل خواهد شد.

باید مدیریت منابع و مخارج به دست خود خانوار سپرده شود زیرا هوشمند تر از هر سیستم از پیش تعیین شده ای می تواند عمل کند. همچنین نظام کالا برگی برای برخی افراد می تواند مشکلاتی را ایجاد کند. مثلاً روستاییان خود تولیدکننده مرغ و تخم مرغ بوده و کوپن آن برایشان مطلوبیتی نخواهد داشت.

وابستگی به واردات و دستکاری بازار از دیگر تبعات کالا برگ هستند که منجر به اختلال و تضعیف تولید می‌شوند. در نهایت بهترین گزینه یارانه نقدی است.

یارانه نقدی چون مستقیم به مصرف کننده نهایی می‌رسد و مصرف کننده میتواند به صورت شخصی سازی شده از آن استفاده کند دیگر اشکالات بالا را ندارد پس بهینه ترین نوع یارانه برای پرداخت است. ولی نکته مهم این است که یارانه نقدی باید شناور باشد یعنی با گذشت زمان مقدارش تغییر کند که ارزش خود را همچون ۴۵۵۰۰ تومان از دست ندهد.

**اکنون مسئله بعدی این است که آیا باید یارانه های انرژی و کالا را به صورت ضربتی حذف کرد یا ترجیحی؟**

بانک جهانی طی گزارشی بیان میکند که از سال ۱۹۶۰ تا سال ۲۰۱۵، ۳۰۹ بار ارزش ترجیحی در دنیا حذف شده است که از این ۳۰۹ بار ۲۱۷ بار به صورت ضربتی بوده و ۹۲ بار به صورت تدریجی.

بانک جهانی در پیشنهادی میگوید که اگر کشوری دو ویژگی را داشت بهتر است یارانه را به صورت ضربتی حذف کند:

۱. بدهی خارجی خیلی کمی داشته باشد.

۲. بالا بودن قیمت جهانی کالاها.

کشور ما طبق آمار بانک جهانی یکی از ۱۰ کشور کم بدهی در جهان است؛ علاوه بر این بخاطر مسائل متعدد مانند جنگ روسیه و اوکراین و حوادث و حواشی سیاسی بین کشورها قیمت کالا و انرژی در جهان بشدت افزایش پیدا کرده است، طبق این دلیل علمی قاعدتا باید یارانه ها را ضربتی حذف کنیم ولی کل قضیه فقط با این گزاره تمام نمیشود و نیاز به توضیحات بیشتری دارد.

**(حذف یارانه ها به نفع دهک های پایین است ولی بزرگترین مانع این طرح هم خود دهک های پایین هستند.)**

جمله بالا را با دقت بخوانید و به ادامه مطالب دقت کنید تا متوجه بشوید که چرا ضربتی عمل کردن تنها راه هست و حرکت تدریجی احتمال موفقیت بسیار کمی دارد.

همه ی ما میدانیم که در صورت حذف یارانه های انرژی و کالا قیمت ها بالا میرود و این موضوع بعد روانی منفی برای مردم به همراه دارد، علاوه بر آن بخاطر سوء مدیریت ها و فسادهای گذشته یک بی اعتمادی نسبت به دولت شکل گرفته که وقتی این دو مورد دست به دست هم میدهند باعث میشوند مردم نه تنها همراهی نکنند بلکه مانع اجرای این اصلاحات نیز شوند. هر دو بخش این گزاره جای تحلیل دارند که بیان میکنیم:

در بخش گران شدن کالاها یک تصور غلط در بین مردم شکل گرفته که باید با شفاف سازی درست بر طرف شود و آن این است که برای مثال افزایش قیمت بنزین باعث افزایش سایر کالاها میشود! این موضوع را ما در بالاتر شرح دادیم که در کشور ما بخاطر نبود یک مکانیزم کارآمد جهت تخلیه تورم، تورم انباشته به وجود می آید که این تورم انباشته همواره در انتظار فرصت است که تخلیه شود و افزایش قیمت بنزین فرصت خوبی برای این تخلیه شدن است و تکرار این موضوع طی سال ها تصوری غلط را ذهن مردم ایجاد کرده که باید بر



طرف شود و توضیح داده شود که افزایش قیمت بنزین در بلند مدت به دلیل اینکه خلق پول نمیکند تأثیر خیلی کمی در افزایش قیمت سایر کالاها خواهد داشت.

بخش دوم گزاره در مورد بی اعتمادی مردم نسبت به دولت است که بخاطر سوءمدیریت و وجود فساد در دولت های قبل است، اما چیزی که اینجا تهدید را تبدیل به فرصت میکند سرمایه اجتماعی دولت دکتر رئیسی است؛ دولت سیزدهم که از آغاز با شعار های مردمی و حمایت مردم بر سر کار آمده این توان را دارد که با شفاف سازی طرح از سرمایه اجتماعی خود برای جلب حمایت و همراهی مردم برای اجرای اصلاحات یارانه ای استفاده کند. در مورد این موضوع دکتر جواد صالحی اصفهانی در مقاله ای با عنوان (اصلاح یارانه مواد غذایی در دولت رئیسی) بیان میکند که طرح اصلاح یارانه در دولت سیزدهم باعث میشود که نیمی از مردم از آن سود ببرند و باعث افزایش قدرت خرید مردم در پنج دهک اول شود و با باز توزیع ثروت از پنج دهک آخر به اول با اینکه ناچیز است ولی ۵ واحد ضریب جینی را کاهش دهد و در جهت نصف شدن میزان فقر حرکت کند.

(دکتر جواد صالحی اصفهانی: مقاله اصلاح یارانه مواد غذایی در دولت رئیسی)

در بحث حذف یارانه ی انرژی و خصوصی سازی بخش انرژی پیشنهاد این است که قیمت های متفاوت برای بنزین در هر جایگاه نسبت به موقعیت مکانی جایگاه ها در نظر گرفته شود و با خصوصی کردن جایگاه ها قیمت نهایی به صاحبان جایگاه ها واگذار شود؛ برای مثال در محله های ثروتمند نرخ بنزین بالاتر و در محله فقیر تر نرخ بنزین کمتر گرفته شود یا اینکه برای مناطقی که مصرف بالایی دارند قیمت بالاتر و برای مناطق کم مصرف تر قیمت پایین تر در نظر گرفته شود. و نکته مهم در این طرح این است که دولت از دخالت مستقیم عقب بکشد و نظارت از طریق ایجاد رقابت را جایگزین نظارت مستقیم کند. دولت سیزدهم در بحث خصوصی سازی انرژی و واگذاری آن طرح خوبی را در جزیره کیش اجرا کرد که به توضیح آن میپردازیم:

### طرح بنزین در کیش:

دولت سیزدهم در طرحی به نام (طرح باز توزیع بنزین) تصمیم گرفت به صورت آزمایشی در جزیره کیش ملاک تخصیص بنزین را از هر خودرو به اشخاص تغییر دهد، چه شخصی که خودرو دارد و چه کسی که خودرو ندارد. این طرح از این جهت که مسئله بنزین به نوعی خصوصی سازی شده و به مدیریت به مردم واگذار شده بود مفید بود، مخصوصاً با توجه به بی اعتمادی که از گذشته برجای مانده بهترین راه بود که خود مردم این موضوع را مدیریت کنند ولی باز ایراد مهمی در آن وجود داشت که وجود قیمت ثابت بود؛ این که دولت تصمیم بگیرد بحث بنزین را به خود مردم واگذار کند امر مفیدی است ولی زمانی درستی این طرح به حد تناسب میرسد که دیگر دولت قیمت گذاری ثابتی نداشته باشد.

منظور از وجود قیمت ثابت مفصل است و نیاز به توضیح بیشتر دارد، طرح باز توزیع زمانی اجرایی شد که مصرف انرژی در کشور ما تقریباً به مرز تولید پالایشگاه ها نزدیک میشد و این بسیار مخاطره آمیز بود حال با اجرای این طرح ما با مسائل تازه ای روبرو شده بودیم، برای مثال طی این طرح به هر شخص با کارت ملی ۲۰ لیتر

اعتبار بنزین تعلق می‌گرفت که هم زمان با این کار رویه قبلی یعنی انرژی یارانه ای نیز ادامه داشت که باعث افزایش مصرف و رسیدن به بحران کمبود و واردات انرژی میشد؛ مورد دوم این است که در کشور ما انرژی با قیمت جهانی فروخته نمیشود و وقتی شما انرژی را ارزان تر از قیمت جهانی در اختیار مردم قرار دهید این کار قاچاق انرژی را افزایش میدهد، و مورد سوم اینکه در این طرح هر کس مختار بود سهم اعتباری ۲۰ لیتر را مصرف کند یا بفروشد ولی سیستم کارآمدی برای فروش آن طراحی نشده بود مخصوصاً برای جزیره کیش که مسیرهای جاده ای به سایر نقاط کشور ندارد و این بسیار مشکل ساز شده بود.

اگر ایراداتی که در بالا گفته شد بر طرف شود و انرژی بدون تفکیک به اعتباری و یارانه ای و فقط به یک صورت و با قیمت های واقعی و جهانی به مردم داده شود و البته مابه التفاوت آن نسبت به درآمد آن ها به عنوان یارانه نقدی به آن ها پرداخت شود هم مصرف کم میشود، هم باعث قاچاق نمیشود و هم عدالتی که هدف اصلی این طرح بوده رعایت میشود.

### جمع بندی:

سال های متمادی در کشور ماست که با اجرای سیاست غلط یارانه های انرژی و کالا ثروت های این کشور به هدر رفته و چیزی بحران های اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و زیست محیطی به همراه نداشته؛ پس حالا که ما مشکل و درد را می‌شناسیم باید سعی کنیم با درمان های صحیح که حذف یارانه های انرژی و کالا از اقتصاد و اجرای قانون هدفمند سازی یارانه ها است این مشکل را درمان کنیم.

بهینه ترین درمان در بحث یارانه ها ابتدا اجرایی کردن اصل ۴۴ قانون اساسی و موضوع خصوصی سازی صحیح است و دوم حذف یارانه ها و پرداخت آن ها به صورت نقدی به آخرین حلقه مصرف در زنجیره تأمین یعنی خود مردم.